

Non-Verbal Communication Methods of Imam al-Rida (PBUH) with Rulers and Governors During the Migration to Iran*

Hakimeh Ehsani¹  Hamid Reza Motahari² 

Sayyid Mohammad Hosseini³  Mohsen Ghanbari nik⁴ 

1. PhD Student, Faculty of Islamic Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

h.ehsani94@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Islamic History, Research Institute of History and Life of Ahl al-Bayt, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

h.motahari@isca.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic History, Faculty of Islamic Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

sm.hosseni2@urd.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Communication and Cultural Propagation, University of Islamic Qom. Iran.


m.ghanbarinik@mau.ac.ir



Abstract

This study examines the non-verbal communication methods of Imam al-Rida (PBUH) with rulers and governors during his migration to Iran. The significance of this research lies in re-evaluating and gaining a deeper understanding of the Imam's non-verbal conduct (*Sira*) when interacting with ruling powers, providing a model for contemporary effective and constructive engagement in difficult and sensitive circumstances. The migration of the eighth Imam is one of the most significant and influential

* Ehsani, H., & Motahari, H. R., & Hosseini, S. M. & Ghanbari nik, M. (2025). Non-Verbal Communication Methods of Imam al-Rida with Rulers and Governors During the Migration to Iran. *Islam and Social Studies*, 13(3), pp. 97-124. <https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73300.2182>

 **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

 **Received:** 2025/05/15 •  **Revised:** 2025/07/18 •  **Accepted:** 2025/08/23 •  **Online Publication:** 2025/10/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights

events in Islamic and Iranian history. The primary research question addresses how Imam al-Rida utilized non-verbal communication methods to face social and political challenges during his migration. Employing a descriptive-analytical method, data was collected through library research from authentic historical sources and reports on the *Sira* of the Ahl al-Bayt. The results indicate that the Imam utilized various communication methods tailored to the audience's conditions and the social environment. These non-verbal strategies included correspondence with rulers, meaningful silence, the use of body language (such as facial expressions, tone, and specific gestures), behavioral reactions (such as *Taqiyya*, accompaniment, or opposition), and the practical manifestation of Islamic ethics.

Keywords

Communication Methods, Verbal and Non-Verbal, Imam al-Rida, Rulers, Migration, Iran.

شیوه‌های ارتباطات غیرکلامی امام رضا علیه السلام با حاکمان و والیان

در مسیر هجرت به ایران*



حکیمه احسانی^۱ حمیدرضا مطهری^۲ سیدمحمد حسینی^۳ محسن قنبری نیک^۴

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

h.ehsani94@gmail.com

۱. دانشیار، گروه آموزشی و پژوهشی تاریخ اسلام، پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

h.motahari@isca.ac.ir

۳. استادیار، گروه آموزشی تاریخ اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلام، قم، ایران.

sm.hossenii2@urd.ac.ir

۴. محسن قنبری نیک، گروه آموزش ارتباطات و تبلیغ فرهنگی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

m.ghanbarinik@mau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی شیوه‌های ارتباط غیرکلامی امام رضا علیه السلام با حاکمان و والیان در مسیر هجرت به ایران است. اهمیت و ضرورت این پژوهش برای بازخوانی و درک عمیق‌تر سیره غیرکلامی امام علیه السلام در تعامل با قدرت‌های حاکم و نیز الگوگیری معاصرین برای تعامل مؤثر و سازنده در شرایط دشوار و حساس با دیگران است. هجرت امام هشتم علیه السلام از رویدادهای مهم و تاثیرگذار در تاریخ اسلام و ایران بوده و از جایگاه والایی برخوردار است. پرسش اصلی پژوهش، آن است که شیوه‌های ارتباط غیرکلامی امام رضا علیه السلام

* احسانی، حکیمه؛ حسینی، مطهری، حمیدرضا؛ سید محمد؛ قنبری نیک، محسن. (۱۴۰۴). شیوه‌های ارتباطات غیرکلامی امام رضا علیه السلام با حاکمان و والیان در مسیر هجرت به ایران. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۳)، صص ۹۷-۱۲۴.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73300.2182>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



در مواجهه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی در مسیر هجرت با حاکمان و والیان عصر خود چگونه بوده است؟ روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از شیوه فیش‌برداری برای گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای (منابع تاریخی معتبر و گزارشات تاریخی سیره اهل بیت علیهم‌السلام است. نتایج نشان می‌دهد: امام رضا علیه‌السلام در مسیر هجرت، از شیوه‌های ارتباطی متعدد و متناسب شرایط مخاطبان و محیط اجتماعی استفاده می‌کردند. بهره‌گیری از شیوه‌های ارتباطات غیر کلامی؛ مکاتبه با حاکمان، سکوت معنادار، استفاده از زبان بدن مانند: حرکات و نشانه‌هایی در چهره، لحن و اعمال، واکنش‌های رفتاری و عملی مثل تقیه، همراهی، مخالفت و نیز انجام عملی اخلاق اسلامی از مهمترین شیوه‌های تعاملی و ارتباطی ایشان بوده است.

کلیدواژه‌ها

شیوه‌های ارتباطی. کلامی و غیرکلامی. امام رضا علیه‌السلام. حاکمان. هجرت. ایران.

مقدمه

مطالعات تاریخی درباره سیره اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر بر استخراج و تحلیل روایات قولی، نامه‌ها، و مناظرات کلامی متمرکز بوده‌اند. این نوع نگرش، اگرچه ارزشمند و مفید است؛ اما بخش عظیمی از کنشگری‌های متفاوت و راهبردی ائمه علیهم‌السلام را که در بستری از ارتباطات غیر کلامی شکل می‌گرفت، مغفول نهاده است. به‌ویژه در دوره‌های حساس و بحرانی تاریخ تشیع، نظیر عصر عباسیان که فضای گفتار و کلام صریح، به‌شدت محدود بود. بازخوانی و تحلیل ساحت ارتباطات غیر کلامی، کلید فهم بسیاری از پیام‌های پنهان در مدیریت بحران‌ها از سوی اهل بیت علیهم‌السلام به‌شمار می‌رود. تحلیل عمیق زندگی پیشوایان دینی، همواره نیازمند درکی چندوجهی از کنش‌های آنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اعتقادی است.

هجرت امام رضا علیه‌السلام از مدینه به ایران به فرمان مأمون عباسی، نه تنها یک رویداد و هجرت جغرافیایی، بلکه یک پروژه‌ی عظیم سیاسی و تبلیغاتی از سوی دستگاه خلافت و البته یک حادثه مهم فرهنگی-اجتماعی برای شیعیان بود. این هجرت و مسیر طولانی آن، فرصتی برای امام فراهم آورد تا در مواجهه با حاکمان، والیان و کارگزاران عباسی که بر حسب وظیفه‌ی حکومتی، مأمور همراهی یا نظارت بر ایشان بودند، از ابزارهای ارتباطی غیر کلامی برای بیان حقانیت شیعه، معرفی خاندان رسالت و امامت و تضعیف گفتمان قدرت حاکم استفاده کند. حضور فیزیکی، شیوه‌ی ایستادن، نگاه، سکوت، مدیریت فضا، و دیگر رفتارهای تعاملی غیر کلامی ایشان با نمایندگان خلافت، هریک واجد معانی عمیق سیاسی و اجتماعی بوده است. این کنش‌های غیر کلامی، در حکم نشانه‌هایی عمل می‌کردند که از یک سو هویت واقعی امام را در مقابل تبلیغات حکومتی تثبیت می‌کرد و از سوی دیگر، پیام‌هایی روشن به شیعیان و ناظران بی‌طرف می‌رساند. ضرورت این پژوهش در آن است که تا به امروز، تحلیلی جامع و روش‌مند با رویکرد «بازخوانی ارتباطات غیر کلامی» بر این بخش از سیره امام هشتم انجام نشده است. این مقاله بر آن است تا با عبور از تحلیل‌های صرفاً نقلی، به کاوش و تبیین شیوه‌ها و معانی پنهان در کنش‌های تعاملی امام با حاکمان پردازد. پرسش اصلی این است که امام

رضا علیه السلام در مسیر هجرت، چگونه و با بهره‌گیری از کدام شیوه‌های غیر کلامی توانستند فضای موجود را در مواجهه با والیان عباسی مدیریت کرده و پیام‌های بنیادین امامت را منتقل نمایند. نتایج این مقاله می‌تواند به‌عنوان یک الگوی راهبردی برای «مقاومت هویتی در برابر قدرت قهریه» مورد توجه قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

زندگانی امام رضا علیه السلام و هجرت ایشان، از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه پژوهشگران و عالمان دینی جهان اسلام به‌ویژه ایران بوده و تاکنون تألیفات بسیاری نیز در این باره به نگارش در آمد. هجرت امام رضا علیه السلام به‌طور خاص در منابع تاریخی نوعاً از منظر تاریخی و نقل حوادث و وقایع در طول سفر مورد توجه قرار گرفته؛ چنان‌که آثاری مانند: حدیث سلسله‌الذهب، سیره امام رضا علیه السلام و مانند آن چنین رویکردی را دنبال کرده ولی از جهات دیگر مانند؛ شرایط اجتماعی هجرت، شیوه تعامل امام با مردم و حاکمان کمتر مورد توجه جدی واقع شده است.

درباره «شیوه‌های ارتباط غیر کلامی امام علیه السلام در مسیر هجرت»، تا آنجا که بررسی‌ها نشان داده، پژوهش مستقل و قابل توجهی انجام نشده؛ گرچه در ادوار واپسین، در برخی از پژوهش‌ها، کتب و مقالات، نسبت به موضوعات مشابه توجه محدودی شده که در ادامه برخی از آنان معرفی می‌شود:

انواری در اثر خود با عنوان: «الگوی مواجهه با تظاهر در سیره ارتباطی امام رضا علیه السلام» به تحلیل مواجهه امام رضا علیه السلام با مأمون به‌مثابه انسان متظاهر پرداخته و سعی کرده، مکانیسم‌های ارتباطی مأمون در مواجهه با امام رضا علیه السلام و همچنین مکانیسم‌های ارتباطی امام رضا علیه السلام در مواجهه با مأمون را در باب تظاهرگری بررسی کند. ایشان، کنش‌های امام در مواجهه با تظاهر مأمون را در قالب کنش‌های «غیرت‌ساز»، «افشاگرانه»، «بصیرت‌افزا» و «مصلحت‌گرا» تحلیل می‌کند.

حسن‌خانی نیز در پژوهش خود با عنوان: «نحوه مواجهه‌ی امام رضا علیه السلام با مخالفان و اقلیت‌های دینی»، تنها بر چگونگی مواجهه امام با مخالفان فکری خود تمرکز دارد.

ایشان به انگیزه‌ها و علل برگزاری مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای مذاهب، عوامل به قدرت رسیدن خلافت عباسی، زمینه شکل‌گیری تشیع و سیر تطور و تحول آن در جهان اسلام تا زمان امام رضا علیه السلام پرداخته است.

همچنین محسنی در مقاله‌ای با عنوان: «تبیین و تحلیل الگوی ارتباطی «ان‌إل‌پی» در سیره تربیتی امام رضا علیه السلام به مولفه‌های ارتباطی امام رضا علیه السلام در سیره تربیتی ایشان براساس الگوی ارتباطی ان‌إل‌پی پرداخته است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، هیچ‌کدام از موارد پیشینه، به شیوه‌های ارتباطی سیره امام رضا علیه السلام به‌طور عام و نیز در مسیر هجرت به ایران به‌طور خاص، نپرداخته است و همین نکته وجه تمایز این مقاله خواهد بود؛ لذا می‌توان گفت؛ تحقیق حاضر، متمرکز بر یک وجه مهم و مغفول از هجرت امام هشتم علیه السلام به ایران؛ یعنی به نوع تعامل و ارتباطات غیرکلامی آن حضرت با حاکمان و والیان جامعه ایران آن دوره شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

بیان معنا و مقصود محقق از مفاهیم و واژگان اصلی به کار رفته در متن پژوهش، هدف اصلی مفهوم‌شناسی است.

۲-۱. شیوه

«شیوه»، در لغت، به معنای عمل، روش، قاعده و طرز رفتار (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۷)؛ همچنین به معنای رفتار، طرز رفتن، طرز حرکت، رسم و عادت می‌باشد (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه رفتن). در اصطلاح علوم تربیتی نیز روش به مجموعه اموری اطلاق می‌شود که انسان برای رسیدن به هدف و انجام کار مورد نظر، به صورت قاعده‌مند بکار می‌گیرد. روش، مفهومی راهبردی، که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل و چگونگی پیمودن آن‌ها را برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر معلوم می‌دارد. برای هر روش، شیوه‌ها و فنون ویژه‌ای وجود دارد که با نوع رویکرد مسبق به آن سازگار است (رفیعی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۶۷). و نیز به معنای، به معنای روش‌هایی است که افراد و سازمان‌ها در دستیابی به

اهداف خود به کار می‌برند. مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴).

۲-۲. ارتباط

واژه ارتباط در زبان عربی، به باب افتعال و در زبان فارسی به صورت مصدر به کار می‌رود که در لغت، به معنای پیوند دادن و ربط دادن و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه کاربرد دارد (معین، ۱۳۵۷، ص ۱۸۹) و در اصطلاح معانی همچون: گزارش دادن، بیان کردن، منتقل کردن، تماس گرفتن و پیوند دادن از آن استنباط می‌گردد. در علم ارتباطات، ارتباط را فراگردی دوسویه می‌دانند که در آن مبادله و اشتراک اطلاعات، نگرش‌ها، افکار، عقاید و عواطف رخ می‌دهد (معمدنژاد، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

۲-۳. ارتباط غیرکلامی

ارتباط غیر کلامی در مقابل ارتباط کلامی، شامل تمام حالات ارتباطی انسان می‌شود که بدون استفاده از کلمات و با به کارگیری احساسات، عواطف، رفتار و دگرگونی‌های آشکار، معنا و پیام برای مخاطب تشریح و تفسیر می‌شود مانند: طرز راه رفتن، ایستادن، نحوه خندیدن، حرکات چهره و لحن صدا؛ ارتباطات غیر کلامی، فرایند رساندن معنا از طریق ژست، زبان بدن یا چهره و تماس چشمی، شکل و رنگ لباس، مدل مو، معماری، نمادها و سمبل‌ها؛ همچنین ویژگی‌هایی مانند: ریتم، تکیه صدا و مانند آن توصیف می‌شود (ریچموند، ۱۳۹۹، ص ۹۰).

۲-۴. مسیر هجرت

مسیر، یعنی طریق و راه رفت و آمد از مکانی به مکان دیگر و هجرت در لغت، به معنای ترک و جدایی، بریدن از دیگری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۳۶). مفارقت، ترک وطن و دوری از خانمان، یاران و دوستان و دوری از میهن (غیائی کرمانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۰۹-۵۱۰). بیان شده است؛ همچنین، دور شدن از کسی یا چیزی با تن یا زبان یا قلب را هجرت گویند (قریشی، ۱۳۷۱، واژه هجرت).

درباره مسیر هجرت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو، اختلافاتی وجود دارد؛ عمده منابع، از بصره، اهواز و فارس به‌عنوان مسیر هجرت یاد کرده‌اند^۱ و بر مسیر حرکت ایشان از مدینه تا فارس توافق دارند؛ اما در اینکه پس از فارس، کاروان از چه مسیری به سمت مرو حرکت را ادامه داد، دچار اختلاف‌اند (ثنایی و غفرانی، ۱۳۹۳). بلاغی، مسیر حرکت وی را «مدینه، بصره، ارجان، فارس، اصفهان، نیشابور، ده سرخ، سناباد، سرخس و مرو» می‌دانند (عرفان‌منش، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲). نکته مهم این است که در قدیم، از بصره تا مرو، دو راه کاملاً متفاوت وجود داشت؛ راه نخست، از بصره به اهواز می‌رسید، از آن‌جا به فارس می‌رفت و پس از طی کویر میان فارس و خراسان، به مرو منتهی می‌شد و راه دوم، از بصره به کوفه، از آن‌جا به بغداد و از بغداد به ری و قم می‌رفت و سپس، در امتداد شرق، به خراسان و مرو می‌رسید. با وجود برخی گزارش‌ها درباره حضور امام رضا (ع) در بغداد و حتی قم، گزاره‌هایی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مسیر حرکت امام (ع) از سمت خوزستان، فارس و کویر مرکزی ایران بوده است.

۵-۲. امام رضا (ع)

حضرت امام رضا (ع)، هشتمین امام معصوم شیعیان است که پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سال ۱۸۳ق و در سی و پنج سالگی، عهده‌دار مقام امامت به مدت بیست سال شد. ده سال نخست امامت وی، با خلافت هارون الرشید و ده سال دیگر نیز با خلافت فرزندان هارون (محمد امین و عبدالله المأمون) معاصر بود. مأمون، امام رضا (ع) را در سال ۲۰۱ هجری به خراسان، فرا خواند و در رمضان همان سال، برای ولایت عهدی ایشان از مردم، بیعت گرفت. این تصمیم نه‌تنها ایشان را به‌عنوان یک شخصیت سیاسی در تاریخ اسلام معرفی کرد؛ بلکه فرصتی برای تأثیرگذاری بر وضعیت اجتماعی و سیاسی زمانه جهان اسلام فراهم آورد. امام (ع) تا پایان عمر خود، یعنی حدود

1. Madelung, 'Alī Al-Rezā, Iranica

دو سال و پنج ماه، در خراسان اقامت داشت (مفید، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۷؛ طبری ۱۴۲۰ق، ص ۲۱۸). در دوره امام رضا علیه السلام، شیعیان در اکثر مناطق اسلامی تحت سلطه عباسیان حضور داشتند؛ به گونه‌ای که در کتب تاریخی از اظهار ادب و احترام مردم شهرهای مختلف نسبت به امام رضا علیه السلام یاد شده است. عدّه زیادی از مردم مدینه و کوفه در عصر امام، شیعه بودند و امام علیه السلام که از مدینه به سوی مرو حرکت کردند، مورد استقبال مردم شهرهای بصره، خراسان، نیشابور و مرو و... واقع شدند؛ به گونه‌ای که با ورود امام به این شهرها قلب مردم از فرط شوق به طپش می‌افتاد و به گرمی امام را پذیرا می‌شدند و در استقبال و پذیرایی از آن حضرت بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند (عطایی خراسانی، ۱۳۷۸، ص ۹۴). این مطلب، بیانگر آن است که مردم عاشق و علاقه‌مند به خاندان نبوت و رسالت بودند و به آنها عشق می‌ورزیدند و علی‌رغم جوّ اختناق، خفقان و وحشت، تکریم امام را بر خود فرض می‌دانستند. ورود امام به ایران، منشأ خیرات، برکات زیاد و سبب گسترش تشیع در ایران شد. آثار بر جای مانده از مسیر امام در شهرها و مناطقی که به نحوی محلّ استقرار ایشان بوده، نشان از علاقه ویژه شیعه به ائمه خود در میان مردم است؛ به عنوان نمونه «مسجد امام رضا علیه السلام در اهواز» یکی از قدیمی‌ترین نقاطی است که در ایران به نام آن حضرت وجود دارد و مساجد و قدمگاه‌هایی که در دزفول و ابرقوی یزد و دیگر اماکن ... نیز به نام امام رضا علیه السلام وجود دارد (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۴۶۳).

۳. شیوه‌های ارتباط غیرکلامی امام رضا علیه السلام با حاکمان و والیان

امام رضا علیه السلام در تعامل خود با حاکمان عباسی سعی داشت، از ارتباطات غیرکلامی همچون: نشان‌ها، علائم و رفتارها، به‌منظور بیان یا انتقال اطلاعات، ایده‌ها، افکار، احساسات خود نسبت به موضوعات گوناگون به مخاطبان بهره لازم و موثر را بنماید. سیره غیرکلامی ایشان نیز همچون سخنان و فرمایشات کلامی‌شان، اثرگذار و مبنای عمل بسیاری از اصحاب و پیروان ایشان می‌گشت. در ادامه به برخی از مهم‌ترین ارتباطات غیرکلامی ایشان اشاره می‌شود:

کتابت، از کارآمدترین ابزار برای انتقال پیام‌ها و قوی‌ترین وسیله برای ماندگاری ایده‌ها، عقاید و اندیشه‌هاست. علاوه بر مناظره‌های مکتوب، مجموعه نامه‌های امام علیه السلام به افراد مختلف در توضیح مبانی شیعه و روشنگری، نقش مهمی داشت. نامه‌هایی از قبیل: تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام در کتاب و سنت (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۲۸۴-۲۹۰). برخی از مسائل کلامی (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۲۹)، مسائل اختلافی میان شیعه و اهل سنت مثل ایمان ابوطالب (فیض کاشانی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۶). توضیح مصداق شیعه (حمیری، ۱۴۱۳ق، صص ۲۰۳ و ۲۰۶) و معنای اولوالامر و مانند آن در منابع روایی و تاریخی آمده است.

امام رضا علیه السلام در نوشته خود به مأمون، فرموده است: «دوستی با دوستان خدا واجب است، همچنین دشمن داشتن و بیزاری جستن از دشمنان خدا و سران آنان واجب است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۳۳). امام علیه السلام در نامه‌ای دیگر به مأمون، اسلام ناب و اصیل را معرفی و به نکات مهمی از قبیل: توحید، نبوت، حجیت قرآن، ولایت، احترام به اولیای خدا، فرق بین اسلام و ایمان، شفاعت، امر به معروف، برائت از مشرکین، ظلم‌ستیزی، ماکولات حلال و حرام، گناهان کبیره و... که همگی از مسائل کلامی اسلام است، اشاره می‌کند که از وسعت اطلاعات و کثرت معلومات آن حضرت حکایت دارد (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۷). امام علیه السلام همچنین طی نامه‌ای به مأمون به قوانین مربوط به بیماری‌ها، تشریح ساختمان و نقش اعضای مختلف بدن، غذاهای مختلف، مراقبت از دندان‌ها، مضرات برخی از غذاها و میکروب‌ها اشاره می‌کند و در مکتوبی دیگر می‌نویسد: غسل روز جمعه، غسل عیدین (فطر و قربان) و غسل داخل شدن به مکه و مدینه و غسل زیارت و غسل إحرام و غسل شب اول و شب هفدهم و شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ماه رمضان، سنت است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۹۳، ح ۶). در نامه‌اش به فضل بن سهل فرمودند: جزو دین ایشان (امامان) است پاکدامنی و عفت، راستی و صلاح و سخت‌کوشی، ادای امانت به نیکوکار و تبهکار، سجده طولانی، عبادت شبانه، دوری از حرام، انتظار گشایش با شکیبایی، نیکو‌همنشینی و نیک‌همسایگی، نیکی کردن، دست از آزار شستن، گشاده‌رویی، خیرخواهی و رحمت برای

مؤمنان (رهاورد خرد، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱۶). به امام رضا علیه السلام که در خراسان بود خبر دادند که غلامان، پسرش حضرت جواد علیه السلام را از درب خصوصی بیرون می‌آورند تا دست بینوایان به آن حضرت نرسد؛ امام رضا علیه السلام برای حضرت جواد علیه السلام چنین نوشت: به من خبر رسیده که غلامان و دوستان از درب عمومی تو را نمی‌آورند؛ آنان می‌خواهند تا از ناحیه تو خیری به بینوایان نرسد. تو را به حق خودم سوگند می‌دهم، حتماً ورود و خروجت از درب بزرگ باشد و هنگام خروج درهم و دینار همراه خود بردار؛ هرکسی تقاضای کمک کرد به او بده و به عموهایت کمتر از ۵۰ دینار و به عمه‌هایت کمتر از ۲۵ دینار نده. هرچه بیشتر دادی، اختیار با توست. من می‌خواهم خداوند مقام تو را بالا ببرد؛ بنابراین دستت را بگشا و انفاق کن و با توکل به خداوند... (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۳، ح ۵) در نامه‌ای به یکی از غالیان به نام محمد بن فضیل با تبیین و تفسیر ویژگی‌های نفاق و منافقین در قرآن، سایر مردم را از انحرافی بودن انگاره غلو و ناپسند بودن وابستگی به این جریان آگاه نموده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۲).

۲-۳. املاء کردن

امام علیه السلام، در مواردی به دیگران دستور می‌دادند تا آنچه را که توصیه می‌کنند، یادداشت کنند و مبنای عمل قرار دهند. چنان‌که نقل شده: هنگامی که امام رضا علیه السلام به خانه حمید بن قحطبه، وارد شد، لباس خود را در آورد و به حمید داد، حمید آن را گرفت و به کنیزش داد تا بشوید، بعد از چند لحظه کنیز درحالی که کاغذی در دست داشت، آمد و آن کاغذ را به حمید داد و گفت: «در جیب امام رضا علیه السلام یافتم. حمید به امام عرض کرد: «فدایت کردم، کنیز در جیب پیراهن شما، کاغذی یافته، و آن این است. امام رضا علیه السلام فرمود: «ای حمید! این کاغذ، تعویذ (پناه‌بردن به خدا) است که من آن را از خود دور نمی‌کنم. حمید گفت: «مرا به داشتن آن، کرامت بخش. امام رضا علیه السلام فرمود: «این، تعویذی را هر کس همراه خود در جیبش نگهدارد، بلا از او دفع می‌گردد، و موجب نگهداری از شرّ شیطان می‌شود»، سپس آن حضرت، کلمات تعویذ را برای حمید املاء کرد، و آن کلمات چنین بود: بنام خداوند بخشنده و مهربان-بنام خدا، من

پناه می‌برم به خدای مهربان [از گزند تو ای دشمن]... با توجه به خدای شنوا و بینا، گوش و چشم از تو گرفتم. تو بر من و بر شنوائی و بینائی من، و بر مو، پوست، گوشت، خون، مغز، اعصاب، استخوان و مال من، و بر آنچه که خداوند به من روزی بخشیده، سلطه‌ای نداری، خدایا! جهل او (دشمن) بر نهایت تحمّل تو چیره نشود، به طوری که مرا پریشان و کوچک و تحقیر کند، خدایا! به تو پناه آوردم، خدایا! به تو پناه آوردم، خدایا! به تو پناه آوردم (قمی، ۱۳۷۲، ص ۳۵۷).

روایت شده است که مأمون، فضل بن سهل را به سوی امام رضا علیه السلام فرستاد. او به امام علیه السلام عرض کرد: دوست دارم حلال و حرام و فریضه‌ها و سنن را یک جا برای من گردآوری، چه تو حجّت خدا برای مردم و کان دانشی. امام رضا علیه السلام دوات و کاغذی طلبید و به فضل گفت: «بنویس! بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ ما را همین بس که گواهی دهیم خدایی جز «الله» نیست و اوست یکتا و صمد، نه همسری دارد و نه فرزندی، قائم به ذات است و بینا، نیرومند و برپا و نوری پاینده است، دانایی است که نادانی نمی‌کند، توانایی است که ناتوانی از او دور است، توانگری است که نیاز نمی‌یابد، دادگری است که ستم نمی‌کند، همه چیز را او آفریده است، همچون او و شبیه او چیزی نیست، نه ضدّی دارد و نه مانند و همسنگی. محمّد، بنده و فرستاده او و امین و برگزیده‌اش در میان بندگان اوست که سرور رسولان و خاتم پیامبران است. او برترین جهانیان است که پیامبری پس از او نیاید، آیین او تحوّل و دگرگونی نپذیرد و هر آنچه محمّد صلی الله علیه و آله به ارمان آورده، حقّ آشکار است. ما هر آنچه را محمّد آورده، تصدیق داریم و به وجود رسولان الهی و پیامبران پیشین و حجّت‌های خدا اعتراف داریم و کتاب صادق او را تصدیق می‌کنیم و اینکه قرآن، پاسدار همه کتاب‌های آسمانی دیگر است و از آغاز تا انجام آن، حقّ خالص می‌باشد. به محکم و متشابه و خاص و عامّ و وعده و وعید و ناسخ و منسوخ و اخبار آن، ایمان داریم و کسی از آفریده‌ها نمی‌تواند مانند آن را بیاورد و اینکه راهنما و حجّت پس از او، برای مؤمنان و عهده‌دار امور مسلمانان و قرآن گویا و دانای به احکام آن، برادر و جانشین و وصیّ او، یعنی امیر مؤمنان که برای حضرت صلی الله علیه و آله همچون هارون نسبت به موسی بود. او امام پرهیزگاران و راهبر مؤمنان و برترین

جانشینان پس از هر پیامبری است و پس از او، حسن و حسین علیهما السلام یکی پس از دیگری که تا امروز ادامه دارد و همه از خاندان پیامبر هستند و به کتاب و سنت، از همه آگاهتر و در داوری، از همه دادگرتتر و در هر عصر و زمانی، از همگان به امامت شایسته‌ترند. آنها استوارترین دستاویز و امامان هدایت و حجت اهل دنیا هستند تا آن‌گاه که خداوند، زمین و هر آنچه را بر آن است، به ارث برد که او بهترین ارث‌برنده است و این که هر کس با ایشان (اهل بیت علیهم السلام) به مخالفت برخیزد، گمراه رهن است و حقی و هدایت را کنار نهاده، تنها ایشان بیان‌کننده قرآن و گویندگان بیان نبوی هستند. هر کس بمیرد و آنها را نشناسد و مشخصاً با نام آنها و پدرانشان، به آنها محبت نرزد، به مرگی جاهلی مرده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۸).

نیز از ساریان کاروان امام روایت شده که هنگامی که در همراهی امام به قریه خود «کردند یا کرمند اصفهان» رسیدیم، از حضرت خواستیم تا حدیثی با خط خویش به عنوان یاد به من مرحمت کند. امام این حدیث را به ارمغان داد: «کن محبا لآل محمد و ان كنت فاسقا و محبا لمحبیهم و ان كانوا فاسقین»؛ یعنی دوست دار آل محمد و خاندان پیامبرش باش، اگرچه فاسق باشی و دوست بدار، دوست داران آنان را هر چند فاسق باشند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۲۵۳).

۳-۳. تقیه کردن و کلام رمزی

تقیه، به معنی پنهان کردن عقاید و اعمال دینی در شرایط خطر، یکی از سازوکارهای مهم شیعه در طول تاریخ اجتماعی خود به‌ویژه در عصر حیات ائمه علیهم السلام و پس از آن بوده است. تقیه، به امام رضا علیه السلام اجازه داد تا در دوران هجرت خود و در مواجهه با دشمنان و منافقان، با دقت بیشتری عمل کند. پس از اینکه مأمون برای جلب حمایت شیعیان و تضعیف موقعیت سیاسی اهل بیت علیهم السلام در میان مخالفان، امام رضا علیه السلام را به‌عنوان ولیعهد خود انتخاب کرد و ایشان به ناچار به خراسان هجرت کرد، جامعه اسلامی به شدت متأثر از گرایش‌های تند مذهبی میان فرقه جامعه اسلامی بود. مهاجرت ایشان و در ادامه، پذیرش ولیعهدی در چنین شرایطی، بسیار دشوار بود و امام می‌بایست،

ضمن حفظ جایگاه رهبری و امامت شیعیان، در مواجهه با دیگر فرقه‌های موجود و حاکمان و والیان درباری، حساسیت‌های سیاسی و مذهبی را در نظر می‌گرفت. روایات متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده سعه صدر امام در مواجهه با حاکمیت ستمگر عباسیان و تلاش او برای گسترش اعتقادات شیعه به صورت غیرمستقیم است؛ چنان‌که امام بسیاری از روایات را در زمینه «تقیه» نقل کرده و به پیروان خود نیز توصیه می‌کرد که در این شرایط به حفظ جان خود و بقاء مذهب دینی خود توجه کنند. مورخان سنی و شیعه به روش‌های گوناگون شهادت داده‌اند که امام در جمع‌های عمومی و در حضور مأمون و دیگران، نظر خود را با ملاحظه و غیرمستقیم بیان می‌کرد. برای مثال، او در جلسات علمی و مناظرات، به جای قراردادن خود در معرض خطر، به بیانی محتاطانه و استدلالی می‌پرداخت که موافق نظرات همه فرق اسلامی باشد؛ بنابراین، امام رضا علیه السلام در دوران هجرت به ایران و توجه کردن به شرایط خاص اجتماعی و سیاسی حاکم، اقدام به تقیه کردند تا از جان خود و پیروانش محافظت کند و بتواند از فرصت‌های محدود برای و گسترش اصول و مبانی شیعه بهره بگیرد. این رویکرد نه تنها به حفظ جان امام کمک کرد، بلکه سبب شد که او بتواند ضمن پاسخ به پرسش‌های دینی مردم، نقش مهمی در گسترش تشیع ایفاء کند. این وضعیت و نحوه برخورد امام با شرایط ناپایدار آن زمان، گواهی بر حکمت و درایت ایشان و توانمندی رهبران شیعه در مدیریت بحران‌ها و تهدیدات تاریخی است.

روایات بسیاری نیز از امام رضا علیه السلام در باب تشریع حکم تقیه وارد شده: «قَالَ الرَّضَا، قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۵۸)؛ کسی از امام پرسید که چرا علیه حاکمان جور قیام نمی‌کنید؟ امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: جدّم امام باقر علیه السلام می‌فرماید: تقیه، جزو دین من و دین اجداد من است و هر که حکم تقیه را رعایت نکند، ایمان به خدا ندارد. در حدیث دیگری می‌فرمایند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، قِيلَ يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلَى قِيَامِ الْقَائِمِ فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا»؛ هر که حکم تقیه را رعایت نکند، ایمان به خدا ندارد. گفته شد: ای پسر پیامبر تا کی؟ می‌فرماید: تا قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله. هر که پیش از خروج و

ظهور قائم ما تقیّه را رها نماید، از ما نباشد؛ همچنین روایت شده که وقتی امام علیه السلام ولایت عهدی مأمون را پذیرفت، عده‌ای از شیعیان درخواست دیدار با وی داشتند، اما حضرت درخواست را تا دو ماه نپذیرفت. آنان بسیار اندوهگین شدند و به دربانان امام عرض کردند؛ ما با این تحقیر، روی بازگشت به وطن نداریم. سرانجام حضرت آنان را پذیرفت. چون خدمت امام علیه السلام وارد شدند و سلام دادند، امام پاسخ سلام‌شان را نداد؛ گفتند: ما شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هستیم. چرا این قدر تحقیر می‌شویم (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۶۶).

امام علیه السلام می‌فرماید: شیعیان امیرالمؤمنین، سلمان و ابوذر و مقداد و مانند آنها بودند که در هیچ امری با جدّم علی علیه السلام مخالفت نکردند و در انجام فرایض، سُستی نمودند. اما شما سُستی در دین دارید، چه جایی که تقیّه نیست، تقیّه می‌کنید و آنجا که تقیّه هست، تقیّه نمی‌کنید: «تَقْفُونَ حَيْثُ لَا تَجِبُ التَّقِيَّهَ وَ تَتْرَكُونَ التَّقِيَّهَ حَيْثُ لَا بَدَأَ مِنَ التَّقِيَّهَ» (بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۲۲، ص ۱۷۷).

۳-۴. اعمال عبادی

از دیگر شیوه‌هایی که حضرت رضا علیه السلام در طول هجرت به ایران در مواجهه با والیان و افراد حکومتی به کار گرفته‌اند، تاثیر گذاری از طریق انجام اعمال عبادی خود و بروز رفتارهای پسندیده و احترام‌آمیز نسبت به آنان بود؛ به طوری که نماینده مأمون در این سفر، ایمان قبلی به امام علیه السلام آوردند. در طول سفر از مدینه به مرو، رجا ابن ابی ضحاک - که مدتی محافظ و در رکاب حضرت رضا علیه السلام بودند - از جمله افرادی هست که تحت تأثیر اعمال عبادی ایشان قرار گرفته است. ابن ضحاک از رجال دستگاه خلافت مأمون بود و به لحاظ علمی، سیاسی، اجتماعی و دینی از موقعیت خاصی برخوردار بود. مأمون از او خواست تا امام را در مسیر هجرت به طور کامل کنترل کرده و حتی کارهای کوچک و معمولی حضرت را زیر نظر داشته باشند و به ایشان گزارش کند و گونه‌ای عمل کند که غائله‌ای رخ ندهد. او این ماموریت را به خوبی انجام داد و دقت بسیار او در اعمال و گفتار حضرت سبب شد تا به ایشان در باطن ایمان بیاورد و

بعدها برخی از آنها را گزارش کند؛ چنان که می‌گوید: «به خدا سوگند! من مردی با تقواتر از او ندیدم. کسی را ندیدم که در تمام اوقاتش بیشتر از او به یاد خداوند باشد و خوفش از خدا از او شدیدتر باشد؛ همین که فجر طلوع می‌کرد، نماز صبح را می‌خواند و پس از آن مشغول دعا، تسیح، حمد، تکبیر و تهلیل بود تا طلوع آفتاب؛ پس از طلوع آفتاب، سجده طولانی می‌کرد و پس از آن مشغول حدیث و موعظه مردم می‌شد تا نزدیک ظهر. ظهر تجدید وضو می‌کرد و به مصلاش می‌رفت. پس از آن ابتدا هشت رکعت نماز نافله ظهر می‌خواند، سپس اذان و اقامه می‌گفت و مشغول نماز ظهر می‌شد. پس از نماز مشغول دعا می‌شد و در پایان سر به سجده می‌گذاشت و صد مرتبه حمد خدا می‌گفت. پس از آن نافله عصر می‌خواند و اذان و اقامه می‌گفت و نماز عصر می‌خواند. سپس مدت مدیدی تسیح، تکبیر و تحلیل گفته و در پایان سر به سجده می‌گذاشت و صد مرتبه الحمد لله می‌گفت. وقتی مغرب فرا می‌رسید، وضو می‌گرفت و اذان و اقامه می‌گفت و نماز مغرب را می‌خواند. بعد از نماز مغرب، مدتی دعا می‌کرد. سپس چهار رکعت نماز نافله مغرب می‌خواند. به هنگام نماز عشا، نماز و نافله‌اش را می‌خواند و بعد به بستر می‌رفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، صص ۹۱-۹۵). زهد و تقوای امام (ع) در کنار اخلاق نیک و دانش و اعمال عملی کامل ایشان موجب شده بود تا همچون ستاره‌ای درخشان در آن زمان علاوه بر هدایت شیعیان، مورد احترام همگان؛ حتی مخالفانش قرار گیرد. رجاء بن ابی ضحاک در بیان سیره امام در سفر به خراسان می‌گوید: «شب‌ها در بسترش بسیار قرآن می‌خواند و هرگاه به آیه‌ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شده بود می‌رسید، می‌گریست و بهشت را از خدا مسئلت می‌کرد و از آتش به او پناه می‌برد» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۲).

در سیره روایی آن حضرت، نیز سفارشات نسبت به اعمال عبادی به‌ویژه مستحبات وارد شده است؛ در گزارشی از ابراهیم بن عباس آمده است: «سیره آن حضرت چنان بود که بیشتر شب را بیدار بود و به عبادت با نوافل مشغول بود (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷). راوی گوید: از امام رضا (ع) شنیدم می‌فرمود: ما اهل بیت (ع)، هنگام خواب، این اعمال را انجام می‌دهیم: با وضو بودن، به دست راست خوابیدن، گفتن سی‌وسه بار سبحان الله و

سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار بار الله اکبر و صورت را رو به قبله می‌کنیم، حمد و آیه الکرسی را تلاوت می‌کنیم و آیه «شهد الله انه لا اله الا هو...» را تا آخر می‌خوانیم؛ پس هر کس چنین کند، بهره خود را از آن شب گرفته است (حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۰)؛ همچنین فرمود: خانه‌هایی که در آنها نماز شب خوانده می‌شود، نورش برای اهل آسمان می‌درخشد؛ همان‌طور که نور ستارگان برای مردم زمین می‌درخشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۱۶۱). امام علیه السلام همواره به برگزاری نمازها، دعاها و مناسک دینی در محافل حکومتی اهمیت می‌دادند. اهتمام به احسان و نیکوکاری در رفتارهای روزمره ایشان تأثیر مثبتی بر همراهان و مخاطبان‌شان داشت.

۳-۵. سکوت معنادار

سکوت و سخن‌نگفتن از دیگر شیوه‌های مواجهه امام با دیگران بود. امام علیه السلام در مقابل برخی از درخواست‌های ناپسند یا اقدامات نادرست حاکمان، سکوت را اختیار می‌کرد. این سکوت به نوعی نشان‌دهنده عدم رضایت و موافقت حضرت با اقدام او بود که گاهی این شیوه غیرمستقیم، اثر عمیقی بر حاکمان می‌گذاشت و آنان را از تصمیم خودشان منصرف می‌کرد.

امام علیه السلام به یاران خود نیز شیوه سکوت را گاهی توصیه می‌کرد؛ چنان‌که در روایتی فرمود: «ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو: راه نفوذی برای شیطان بر خودشان قرار ندهند و دوستانم را به سکوت (در اختیار داشتن زبان) و ترک مجادله (کشمکش لفظی) بی‌مورد، امر کن... (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۷). در حدیث دیگری می‌فرمایند: «از نشانه‌های فهم و عقل، داشتن آگاهی، بردباری و سکوت است؛ سکوت، دری از درهای حکمت است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۱۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۵۳۲).

سکوت، درنگ لطیف و خوش آیند حضرت رضا علیه السلام همزمان با سخن‌گفتن دیگران با او و استماع جالب او به گفتار دیگران، یکی از ویژگی‌های شخصیت اجتماعی آن حضرت بوده است؛ چنان‌که درباره این خصلت امام نوشته‌اند: «هرگز با سخن خویش

بر کسی جفا نکرد، و تا سخن کسی به پایان نمی‌رسید، لب به سخن نمی‌گشود، و کلام دیگران را قطع نمی‌کرد (کاظمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰).

۳-۶. حُزن و ناخرسندی

ناراحتی و غمگین بودن، شیوه دیگری از تعامل غیر کلامی امام علیه السلام با مخاطبان و اطرافیان بود. راوی حدیثی - که از نزدیک شاهد ماجرای هجرت امام بوده است - می‌گوید: «هنگامی که فرستاده مأمون وارد مدینه شد، من نیز در مدینه بودم. امام علیه السلام برای وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله وارد حرم شریف نبوی شدند. حضرت در حالی که می‌گریستند، چندین نوبت با پیامبر صلی الله علیه و آله و مرقد پاک او خداحافظی کردند. جلو رفتم و به امام علیه السلام سلام کردم. حضرت، پاسخ سلام مرا دادند. آن‌گاه امام علیه السلام را به خاطر سفری که در پیش داشتند، تهنیت گفتم، ولی آن حضرت فرمودند: مرا به حال خود واگذار؛ چرا که من از جوار جدم خارج شده و در غربت از دنیا خواهم رفت (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۷). امام علیه السلام هنگام بیرون رفتن از مدینه تمام خویشان خود را فراخواندند و در جمع آنان فرمودند: بر من گریه کنید!؛ زیرا دیگر به مدینه باز نخواهم گشت (طبری، ۱۴۰۲، ص ۱۷۶). گواه دیگر بر کراهت و ناخرسندی امام علیه السلام از این سفر، مسیر تعیین شده از سوی دستگاه خلافت بود، به گونه‌ای که از برخی مناطق، امام علیه السلام مخفیانه عبور داده می‌شدند (بیهقی، ۱۳۵۷، ص ۱۷۱) و برخی نوشته‌اند که از ورود ایشان به کوفه و قم جلوگیری به عمل آمد (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۴۹).

۳-۷. عدم مخالفت آشکار و موافقت ضمنی

مخالفت نکردن به صورت علنی و آشکار و موافقت ضمنی، از دیگر شیوه‌های مواجهه امام با مسائل و نیازهای حکومت بود. در مواردی که مخالفت با حاکمان ممکن نبود، امام علیه السلام با عدم مخالفت آشکار، از برخورد تند و تنش‌زا جلوگیری می‌کردند. این روش، حفظ آرامش و ادامه تعامل را تضمین می‌کرد. چنان‌که در زمان ولایت عهدی امام، منطقه خراسان دچار کم‌آبی شد و مزارع و باغات در معرض خطر قرار گرفت.

عده‌ای این اتفاق را به علت حضور امام علیه السلام در مرو بیان می‌کردند؛ لذا مأمون از امام علیه السلام خواست دعا کنند و از خداوند بخواهند تا باران رحمت خود را نازل کند. امام علی رضی الله عنه میل خود و با اطلاع از نیت سوء مأمون که فکر می‌کرد در صورتی که با دعای آن حضرت باران نیاید، جایگاه امام تضعیف خواهد شد و اعتقاد مردم نسبت به او کم می‌شود، به خواسته مأمون پاسخ مثبت دادند و پذیرفتند که در پیشگاه الهی دعا کنند. سرانجام حضرت در موعد مقرر در جمع مردم زیادی در بیابان بر فراز منبر قرار گرفتند و پس از حمد و ثنای پروردگار عرض کردند: بارالها! تو قدر و منزلت اهل بیت علیهم السلام را بالا بردی و به آنان بزرگی و عظمت بخشیدی، مردم به امید فضل و رحمت تو به ما متوسل شده‌اند، از تو درخواست دارم حاجت آن‌ها را برآوری و باران رحمت را نازل نمایی، بارانی که ویرانی و زیان به بار نیاورد، بارانی که شروع آن موقعی باشد که مردم از صحرا برگشته و به منازل و قرارگاه‌های خود رسیده باشند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۱۷۹-۱۸۳). دعای حضرت، همان‌طور که از پیشگاه الهی درخواست کرده بودند، مستجاب شد. نزول باران رحمت بر اثر دعای ایشان موجب قدرشناسی مردم شد و همه یک زبان می‌گفتند: کرامت‌های باری تعالی بر فرزند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گوارا باد. استجاب دعای حضرت و نزول باران رحمت، از یک سو موجب فزونی محبوبیت و علاقه‌مندی به امام رضا علیه السلام در افکار عمومی شد و از دیگر سو، زمینه نفوذ تشیع و گرایش به آن را به‌خصوص در افرادی که معرفت و علاقه‌مندی آنها به امام علیه السلام عمیق بود، فراهم می‌کرد.

همچنین بنا بر نقل بیهقی، هنگامی که فضل بن سهل از مأمون خواست تا به نذری که هنگام جنگ با برادرش امین کرده بود که اگر در جنگ پیروز شود، ولایت عهدی را به علویان خواهد سپرد، وفا کند و وی به پیشنهاد فضل، امام رضا علیه السلام را به ولایت‌عهدی برگزید، فضل، نامه مأمون را به انضمام نامه‌ای که خود نوشته بود برای طاهرین حسین که تمایل به علویان داشت، به بغداد فرستاد و از این ماجرا به شدت خوش حال شد و پس از آن که معتمدان فضل و مأمون (یاسر خادم و رجاء بن ابی ضحاک) به اتفاق حضرت از مدینه به سوی مرو بازمی‌گشتند، در مسیر خود در بغداد به مدت یک هفته نزد طاهر

بن حسین اقامت کردند. طاهر، حضرت را احترام و اکرام کرد و نامه‌ای را که مأمون به خط خود نوشته بود به آن حضرت عرضه داشت و گفت: «من نخستین فرد هستم که به فرمان مأمون، تو را بیعت خواهم کرد و با من صد هزار سوار و پیاده همراه است که همگان نیز بیعت کنند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸۷۹) امام رضا علیه السلام، دست راست را بیرون آورد تا بیعت کند؛ چنان که رسم است؛ طاهر دست چپش را جلو آورد. امام رضا علیه السلام فرمود: این چیست؟ (طاهر) گفت: (دست) راستم مشغول به بیعت خداوند مأمون است و دست چپ فارغ است. از آن سبب با دست چپ بیعت می‌کنم. امام رضا علیه السلام از آنچه او انجام داد، او را پسندید و بیعت کرد و دیگر روز امام رضا علیه السلام را گسیل کرد، با کرامت بسیار، او را تا به مرو آوردند (بیهقی، ۱۳۵۷، ج ۶، صص ۱-۱۹۰).

۳-۸. زبان بدن و حرکات

الف) رفتار: رفتار متین، قاطع و بدون ترس امام در برابر مأمون و درباریان، پیامی قدرت‌مند از عزت نفس و عدم وابستگی معنوی به حکومت بود. یا امتناع امام از شرکت در برخی مجالس لهو و لعب یا عدم پذیرش مظاهر تجمل‌گرایانه دربار، خود پیامی غیر کلامی مبنی بر مخالفت با فرهنگ انحطاطی حاکم بود. نگاه و حالات چهره امام رضا علیه السلام، بیانگر صلح، مهربانی و آرامش بود که تأثیر عمیقی بر مخاطبان می‌گذاشت. وقتی ماموران مأمون، نامه وی را برای انتقال امام از مدینه به مرو، تحویل حضرت دادند، امام با فرستادگان مأمون سخنی نگفت و با کراهت نامه را خواند و به ناچار پیشنهاد مأمون را پذیرفت و آماده سفر شد (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۶۴).

ب) پوشش: گرچه اطلاعات دقیق در مورد لباس خاص ایشان در دربار کم است، اما به‌طور کلی، ائمه علیهم السلام بر سادگی در پوشش تأکید داشتند که خود می‌تواند پیامی غیر کلامی در برابر تجمل‌گرایی باشد. در برخورد اول انسان‌ها دو چیز پیام‌رسانی می‌کند، یکی لباس و دیگری سخن. در سیره اهل بیت علیهم السلام، در هر دو مورد پیام صلح و دوستی را انتقال داده می‌شد. اسلام لباس سفید که پیام آن صلح می‌باشد را سفارش نموده است. آغاز کلام و سخن نیز در اسلام با سلام و درود است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«در برخورد اول افشای سلام از آداب است: «افشوا السلام بینکم»؛ ین دو (لباس سفید و سلام) در برخورد اول مسلمان با یکدیگر پیام محبت و صلح است نسبت به افراد غیرمسلمان هم پیام زندگی مسالمت آمیز است» (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۸۹۳).

برای تمایز بنی هاشم از دیگر افراد مردم، از زمان رسول خدا ﷺ علوین رنگ سبز را می پوشیدند و علامت مختص آنها این رنگ بود، تا زمانی که بنی عباس قیام کردند و با پرچم های سیاه رنگ و لباس سیاه لشگریان خود را مجهز می کردند و پس از به حکومت رسیدن نیز لباس و قبای سیاه بر تن می کردند و عمامه سیاه بر سر می بستند. سایر بنی هاشم از علوین و فاطمین و بنی عقیل با شعار سبز خود باقی ماندند و یک نفر از آنها لباس سیاه نپوشید و عمامه سیاه بر سر نهاد، و اگر احیاناً احدی از آنان که والی مدینه از طرف عباسیان می شد و به تبع آنها سیاه می پوشید، مورد نفرت قرار می گرفت و انگشت نما می شد. این رویه باقی بود تا پایان سده دوم هجری که چون مأمون در نظر گرفت علوین را که یگانه حریف مقاوم او بودند، از میان بردارد و تحت سیطره خود در آورد، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه به مرو طلب کرد و در سراسر آفاق اسلامی حکم کرد تا بنی عباس از لباس سیاه بیرون آیند، و جامه سبز به تن نمایند و در مدت حدود یک سال که حضرت حیات داشتند، شعار عباسیان همانند شعار علوین، رنگ سبز بود.

ابن ابی عبّاد، وزیر مأمون بیان می کند: امام علیه السلام به دور از چشم مردم لباس خشن می پوشیدند و هنگام رویارویی با مردم، لباس معمولی و تمیزی بر تن می کردند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۴۱۶؛ قریشی، ۱۳۸۳، ص ۵۹). امام رضا علیه السلام هنگام حاضر شدن در مراسم نماز عید با پیراهن و عمامه سفید که دو طرف آن بر سینه حضرت آویخته شده بود، آماده شدند (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳۵، ص ۴۱۳).

ج). انگشتر امام: «انگشتر» جایگاه ویژه ای در آئین و سنت های اسلامی دارد و علاوه بر زینت و زیبایی، در دست داشتن آن دارای ثواب و اجر معنوی است. ائمه معصومین علیهم السلام بر روی انگین انگشتری های خود عباراتی با مضامین توحیدی، اسماء الهی و یا جملات حکمت آمیز حک می کردند که هر کدام معنا و مفهوم خاصی داشته و

انتقال‌دهنده پیام ویژه‌ای بود. چنان‌که در منابع آمده، مشهورترین نقش‌نگین انگشتری امام رضا (ع) «ما شاء الله لا قوة إلا بالله» (کهف، آیه ۳۹) ذکر شده است. در برخی روایات، نقش «وَلِيُّ اللَّهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۰، ح ۳). برای انگشتر ایشان نیز ذکر شده است. انگشتر با نقوش و کلمات حکاکی شده بر روی آن، فراتر از یک شیء زینتی یا حتی یک متن نوشتاری، به عنوان یک رسانه ارتباطی غیر کلامی قوی عمل می‌کرده است. معانی متعددی را منتقل می‌کرد و برای حاکمان و حتی مردم پیام‌هایی را در بر می‌داشت. در محیطی که حاکمان، گاهی خود را قدرت مطلق می‌پنداشتند، پیام این انگشترها تذکری بود بر اینکه قدرت اصلی تنها از آن خداوند و هیچ نیرویی جز به اذن او نیست و در برابر اقتدار ظاهری و سیاسی حاکمان، ائمه (ع) اقتدار معنوی خود که مبتنی بر ارتباط با خداوند و هدایت الهی بود را از طریق این نمادها ابراز می‌کردند.

انگشترها در واقع، نمادهایی قدرتمند بودند که به صورت غیر کلامی، هویت، باور، اقتدار معنوی، سیره عملی و اتصال الهی ایشان را به مخاطبان خود منتقل می‌کردند. همانند دیدن یک پرچم برای یک ملت یا نماد مذهبی برای پیروان یک دین بود که پیام‌های فراوانی را به مخاطب می‌رساند.

نتیجه‌گیری

بازخوانی سیره ائمه (ع)، محققان را با وجوه دیگری از زندگی فردی و اجتماعی آنان آشنا کرده و سبب الگوگیری مطلوب رهروان آن ذوات مقدسه خواهد شد. یکی از ابعاد مهم سیره حضرات معصومین (ع)، کیفیت ارتباط و تعامل اجتماعی با دیگران به ویژه حاکمان معاصر خود بوده است. شیوه‌های ارتباطات و تعاملات اجتماعی به دست آمده از سیره امام رضا (ع) در مسیر هجرت ایشان از مدینه به ایران، نشان می‌دهد که ایشان از شیوه‌های متعدد و متناسب شرایط مخاطبان و محیط اجتماعی استفاده می‌کردند. در کنار شیوه‌های رایج کلامی، همچون: خطابه، پرسش و پاسخ، مناظره و مانند آن، بهره‌گیری از شیوه‌های ارتباطات غیر کلامی از قبیل: مکاتبه با حاکمان، سکوت معنادار، استفاده از زبان بدن مانند: حرکات و نشانه‌هایی در چهره، لحن و

اعمال، واکنش‌های رفتاری و عملی مثل تقیه، همراهی، مخالفت ضمنی و نیز انجام عملی اخلاق اسلامی از مهم‌ترین شیوه‌های تعاملی و ارتباطی ایشان نیز بوده است. تامل بیشتر در سیره امام علیه السلام و کنکاش در مفاهیم دقیق روایات مأثور، نمونه‌های مختلفی از این نوع ارتباطات اجتماعی را می‌توان یافت. امام رضا علیه السلام با تدبیر عالمانه و ملاحظات زمانه، کنش‌های غیرکلامی بسیاری برای انتقال پیام و نظر خود به نمایش می‌گذاشتند. سکوت، تقیه، استفاده از نمادها و لباس‌های خاص از سوی امام، در حقیقت، نوعی از کنش ارتباطی و معنادار با کارکرد اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است که مخاطبان بویژه حاکمان عصر عباسی، به تدریج این معنا و پیام خاص را دریافت و درک می‌کردند.

فهرست منابع

* قرآن

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا علیه السلام (مترجمان: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری). تهران: صدوق.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۷). عیون اخبار الرضا علیه السلام (مترجم: محمد تقی آقا نجفی اصفهانی). قم: پیام علمدار.

ابوالفضل، بیهقی. (۱۳۵۷). تاریخ بیهقی (مصحح علی اکبر فیاض، مقدمه از محمد جعفر یاحقی، ج ۶). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین. (بی تا). مقاتل الطالبین (محقق: احمد صقر). بیروت: دارالمعرفه.

انواری، محمد رضا. (۱۴۰۱). الگوی مواجهه با تظاهر در سیره ارتباطی امام رضا علیه السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بحرانی، شیخ عبدالله. (۱۳۸۸). عوالم العلوم (ج ۲۲). قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.

برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷ق). المحاسن (محقق و مصحح: جلال الدین محدث، ج ۱، چاپ دوم). قم: دارالکتب الاسلامیه.

ثنایی، حمیدرضا؛ غفرانی، علی. (۱۳۹۳). راه‌های ایالات غرب خراسان به سوی نیشابور. تاریخ و فرهنگ، ۴۶(۹۳)، صص ۱۴۹-۱۷۱. <https://doi.org/10.22067/history.v46i10.38645>

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق (ج ۵). تهران: گنج دانش.

جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. قم: انتشارات انصاریان.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). «تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه» (ج ۲، ۳، ۸ و ۱۱، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، چاپ سوم). قم: مؤسسه آل‌البتیة.

حلی، سید ابن طاووس، رضی‌الدین، علی. (۱۴۰۶ ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: بوستان کتاب.

حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ ق). قرب الاسناد. قم: آل‌البتیة.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. (ج ۲) تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد. (۱۴۱۶ ق). المفردات فی غریب القرآن (محقق و ضبط محمد کیانی، ج ۱). بیروت: دار المعرفه.

رفیعی، بهروز. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (ج ۳). تهران: سمت.

رهاورد خرد. (۱۳۷۶). ترجمه تحف العقول ابن شعبه حرّانی (ج ۱). تهران: نشر و پژوهش فرزاد.

ریچموند، ویرجینیا پی، جیمز سی، مک کروسکی. (۱۳۹۹). رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی (مترجمان: فاطمه سادات موسوی، ژیا ل عبدالله پور). تهران: دانژه.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی. (۱۳۷۸ ق). عیون اخبار الرضا (ج ۲). تهران: انتشارات جهان.

طبری، عمادالدین. (۱۴۲۰ ق). بشاره المصطفی لشیعه المرتضی (محقق: جواد قیومی). قم: جامعه مدرسین.

طبری، محمد بن جریر طبری. (۱۴۰۲ ق). تاریخ طبری (مترجم: ابوالقاسم پاینده، ج ۱۳). تهران: اساطیر.

عرفان‌منش، جلیل. (۱۳۸۲). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- عطایی خراسانی، علی اصغر. (۱۳۷۸). زندگانی امام رضا (ع). مشهد: انتشارات شهداء الفصله.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر، شرکت کتب‌های جیبی فرانکلین.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- غیاثی کرمانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). لغتنامه قرآن کریم: نگاهی نو به نشر طوبی (ج ۲). قم: بنیاد فرهنگ حضرت مهدی موعود (عج).
- فیض کاشانی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). المحجّة البيضاء (ج ۲). قم: مؤسسه النشر اسلامی.
- قریشی، باقر شریف. (۱۳۸۳). پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا (ع). دارالکتب اسلامی.
- قریشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. (۱۳۷۲). نگاهی بر زندگی چهارده معصوم (ع) ترجمه انوارالبهیة (مترجم: محمد محمدی اشتهازدی). قم: ناصر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول کافی (مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، ۲ و ۴). تهران: دفتر نشر اهل بیت (ع).
- کاظمینی، میرزا محمد. (۱۳۸۹). نگین ایران. یزد: ریحانه الرسول و صحیفه خرد.
- متقی، علاءالدین علی. (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الأفعال والأقوال (ج ۱۵ و ۳۵، محقق: محمود عمر الدمیاطی) بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۴۵، ۶۶ و ۸۷ چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محسنی، طاهره. (۱۴۰۱). تبیین و تحلیل الگوی ارتباطی NIP در سیره تربیتی امام رضا (ع). فرهنگ رضوی ۱۰ (۸۰). صص ۱۹۱ - ۲۲۰.

<https://doi.org/10.22034 / FA R Z V. 2022.335748.1751>

معمد نژاد، کاظم. (۱۳۸۵). وسایل ارتباط جمعی (چاپ پنجم). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ع).

معین، محمد. (۱۳۵۷). فرهنگ فارسی (ج ۲). تهران: انتشارات امیرکبیر.
مفید، محمد بن محمد. (۴۱۳ ق). الاختصاص (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمود
محرمی زرنندی). قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
مفید، محمد بن محمد. (بی تا). الارشاد (مترجم: هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، چاپ دوم). تهران:
اسلامیه.